

مقدمه	۱
پیشگفتار	۲
فصل اول: کلیات	۳
فصل دوم: تاریخچه	۴
فصل سوم: روش‌های تفسیر	۵
فصل چهارم: مکتب‌های تفسیری	۶
فصل پنجم: روش‌های جدید	۷
فصل ششم: نتیجه‌گیری	۸

## زیگفرید لنتس

# زنگ انشاء

ترجمه

حسن نقره‌چی



انتشارات نیلوفر، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۷۱/۱۹۹۹۹

۲۵	۱
۳۳	۲
۶۹	۳
۹۷	۴
۱۲۹	۵
۱۵۵	۶
۱۷۲	۷
۲۰۵	۸
۲۲۹	۹
۲۵۲	۱۰
۲۷۹	۱۱
۳۳۱	۱۲
۳۷۹	۱۳
۴۰۵	۱۴
۴۲۹	۱۵
۴۵۲	۱۶
۴۷۹	۱۷
۵۰۵	۱۸
۵۲۹	۱۹
۵۵۲	۲۰



## فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	جریمه
۲۵	ممنوعیت نقاشی
۴۳	گاکی‌ها
۶۹	جشن تولد
۹۷	مخفیگاه‌ها
۱۲۹	قدرت پیشگویی
۱۵۵	وقفه
۱۷۹	تک چهره
۲۰۵	بازگشت به خانه
۲۲۹	فُرجه
۲۵۳	نقاشی‌های نامرئی
۲۷۹	زیر ذره‌بین
۳۰۷	علم‌الحیات
۳۴۱	تماشا
۳۶۷	دنباله
۳۹۳	ترس
۴۱۳	بیماری
۴۳۵	بازدیدکنندگان
۴۵۹	جزیره
۴۷۵	جدایی

## مقدمه مترجم

زیگفرد لنتس بی شک یکی از بزرگترین نویسندگان آلمانی بعد از جنگ در قرن بیستم است. او هفدهم مارس ۱۹۲۶ در یک آبادی کوچک به نام لیک در شمال شرق آلمان متولد شد. پدرش کارمند گمرک بود و خیلی زود درگذشت. مادرش برای گذران زندگی مجبور به مهاجرت شد و همهی دختران خود را همراه برد. زیگفرد را که تازه به سن رفتن به دبستان رسیده بود، نزد مادر بزرگش گذاشت. او دبستان و دبیرستانش را در همان جا به پایان رساند و در سال ۱۹۴۳ به خاطر شرایط زمان جنگ دیپلم زود هنگام گرفت و بلافاصله به خدمت قهری پرچم فرا خوانده شد و به نیروی دریایی ارتش آلمان پیوست.

بر اساس مدارک موجود در بایگانی برلین لنتس در دوازدهم ژوئیه ۱۹۴۳ وارد حزب نازی آلمان شده است، اما خودش می گوید که از این موضوع بی اطلاع است و احتمالاً بر اساس یک ثبت نام جمعی که از همهی مشمولان خدمت زیر پرچم به عمل آمده، نام او هم وارد لیست نام اعضای حزب شده است.

کمی پیش از پایان جنگ در دانمارک از جبهه فرار کرد و در راه فرار در ایالت اشلسیگ هول اشتین آلمان به اسارت نیروهای انگلیسی درآمد و به اردوگاه اسرای جنگی انگلیسی ها فرستاده شد. آن جا به مترجمی کمیسیون آزادسازی اسرای جنگی اشتغال داشت.

پس از آزادی از اردوگاه اسرای جنگی در دانشگاه هامبورگ به تحصیل فلسفه و ادبیات انگلیسی پرداخت، اما آن را نیمه کاره رها کرد و به شکل آزاد با روزنامه‌ی دی ولت مشغول به کار شد. در سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ سردبیر این روزنامه بود. همان جا با همسر آینده اش لیزه لوته (وفات پنجم فوریه ۲۰۰۶) آشنا شد و در سال ۱۹۴۹ با وی ازدواج کرد.

با درآمد قابل توجهی که از انتشار اولین رمانش «شاهین ها در هوا بودند» در سال ۱۹۵۱ به دست آورد مسافرتی به کنیا کرد و آن جا قیام قبیله‌ی مائوئائو را از نزدیک مشاهده کرد. حاصل این تجربه داستان «لوکاس خدمتکار نرمخوی» بود.

زیگفرید لنتس از سال ۱۹۵۱ نویسنده‌ای آزاد است که در هامبورگ زندگی می‌کند. از همین سال وارد گروه ۴۷ شد. گروه ۴۷ گروهی ادبی بود که در سال ۱۹۴۷ دو سال پس از جنگ به همت چند نویسنده‌ی بزرگ آلمان به وجود آمد. مهم‌ترین نقش در شکل گرفتن این گروه بر عهده‌ی هانس ورنر ریشتر (تولد ۱۹۰۸/۱۱/۱۲، وفات مونیخ ۱۹۹۳/۳/۲۳) بود. این گروه برنامه‌ی خاصی نداشت. فقط به لحاظ تجربه‌ی دوران تلخ اختناق فاشیستی و جنگ و حشتناک جهانی دوم گرایش سیاسی - انتقادی و ضد جنگ داشت. هر سال در پاییز جلسه‌ی سالانه برگزار می‌کرد که در آن به خواندن و نقد و بررسی آثار نویسندگان عضو پرداخته می‌شد. بیشتر داستان‌نویسان، شاعران و نمایشنامه‌نویسان بزرگ آلمان بعد از جنگ در این گروه عضویت داشتند. از آن جمله: ایلزه ایشینگر، آلفرد آندرش، اینگه بورگ باخمن، هاینریش بل، گونتر آیش، گونتر گراس، والتر ینس، مارتین والزر، پتر وایس و زیگفرید لنتس... این گروه نویسندگان جوان را از گمنامی خارج و مطرحشان می‌کرد. به پیروی از این گروه گروه‌های دیگری مثل گروه دورتموند یا گروه ۶۱ به وجود آمدند. آخرین گردهمایی این گروه به شکل غیرعلنی در منزل ریشتر در سال ۱۹۷۲ برگزار شد و در سال ۱۹۷۷ رسماً انحلال آن اعلام شد.

زیگفرید لنتس به همراه گونتر گراتس از سیاست شرقی و یلی برانت و حزب سوسیال دمکرات آلمان پشتیبانی ارزشمندی کرد و به همین خاطر برای امضا قرارداد آلمان و لهستان در سال ۱۹۷۰ به ورشو دعوت شد.

او عضو افتخاری آکادمی هنر هامبورگ است و از سال ۲۰۰۳ استاد مهمان در دانشگاه دوسلدورف.

زیگفرید لنتس که به خاطر ترجمه نشدن آثار باارزشش به زبان فارسی در ایران زیاد شناخته شده نیست، متعلق به نسلی از نویسندگان آلمانی است که روزگار کودکی و نوجوانی خود را در دوران اختناق فاشیسم گذرانده‌اند. نسلی سرخورده که بلا یای جنگ را شاهد بوده است و هنوز صدای عربده‌ی پیشوا را در گوش خود می‌شنود. مهم‌ترین مشخصه‌ی نویسندگان این نسل پرخاشگری در نوشته‌هایشان است، اما لنتس معترض است و پرخاشگر نیست. با نظام اجتماعی آلمان میانه‌ای ندارد، اما راه حلی هم پیشنهاد نمی‌کند. با وسواس جامعه را زیر نظر دارد و بیشتر توجه‌اش به مردم فرودست و محروم است که به دلیل آن که قربانی بی‌عدالتی‌های اجتماعی هستند، به همه چیز با نگاه پراز تردید می‌نگرند. در آثار نخستین‌اش تأثیرپذیری از ارنست همینگوی و فاکنر به خوبی مشهود است، اما کم‌کم سبک ویژه‌ی خودش را برمی‌گزیند و خود را از تحت تأثیر بودن دیگران رها می‌سازد.

زیگفرید لنتس به نویسنده‌ی داستان‌های کوتاه شهرت دارد و بیشتر در این زمینه کار

کرده است. اما به غیر از داستان کوتاه چند رمان نوشته است که مشهورترین آن رمان زنگ انشاء است. این رمان تقریباً به اکثر زبان‌های زنده‌ی جهان ترجمه شده و برای او شهرت جهانی به وجود آورده است. تعداد زیادی هم فیلم‌نامه و نمایشنامه‌های رادیویی دارد. برخی از آثار او عبارتند از: شب در هتل (۱۹۴۹)، شکارچی ریشخند (۱۹۵۰)، شاهین‌ها در هوا بوفند (۱۹۵۱)، دونده (۱۹۵۱)، کشتی شکسته (۱۹۵۲)، دوئل با سایه (۱۹۵۳)، لوکاس، خدمتکار نرمخوی (۱۹۵۳)، این قدر دوست داشتنی بود زولا یکن (۱۹۵۵)، زیباترین جشن جهان (۱۹۵۶)، کابینه‌ی گروه مخالف (۱۹۵۶)، مرد در رودخانه (۱۹۵۷) نان و بازی‌ها (۱۹۵۹)، کشتی آتش (۱۹۶۰)، عصر بی‌گناهان (۱۹۶۱)، حوصله‌ی دریا (۱۹۶۲)، حرف‌های شهر (۱۹۶۳)، رخساره (۱۹۶۴)، بازی خراب‌کن (۱۹۶۵)، در پی خانه (۱۹۶۷)، مردم هامبورگ (۱۹۶۸)، زنگ انشاء (۱۹۶۸)، چشم‌بندها (۱۹۷۰)، انگار پیش گوگول هستی (۱۹۷۳)، الگو (۱۹۷۳)، روح آلودرد (۱۹۷۵)، موزه‌ی میهنی (۱۹۷۸)، سه قطعه (۱۹۸۰)، زیان (۱۹۸۱)، پایان جنگ (۱۹۸۴)، دختر صرب (۱۹۸۷)، تمرین صدا (۱۹۹۰)، طغیان (۱۹۹۴)، لودمیلا (۱۹۹۶)، ماترک آرنز (۱۹۹۹)، اداره‌ی اشیاء گم‌شده (۲۰۰۳)، داستان‌های کوتاه (۲۰۰۶)، یک دوست دولت (۲۰۰۶)، دقایق سکوت (۲۰۰۸).

رمان زنگ انشاء خاطرات نوجوانی خلاف‌کار است که به خاطر دزدیدن چند تابلوی نقاشی دوران بازپروری را در پرورشگاه می‌گذراند. به او انشایی داده شده است که چون در زنگ انشاء موفق به نوشتن‌اش نمی‌شود، در سلولی انفرادی به این کار واداشته می‌شود. لنتس در این کتاب دو شخصیت اصلی دارد: یک پلیس وظیفه‌شناس که پدر مجرم جوان است و یک نقاش معروف که موضوع تابلوهای او را مناظر و مردم شمال آلمان تشکیل می‌دهند. زمان داستان بیشتر در دوران نازی‌هاست. برای نقاش، نقاشی کردن را ممنوع کرده‌اند. گویا لنتس هنگام پرداختن به این شخصیت توجه‌اش به نقاش و قلمزن معروف آلمان امیل نولده (تولد ۱۸۶۷/۸/۷، وفات ۱۹۵۶/۴/۱۳) با نام واقعی نانزن بوده است. دولت فاشیستی آلمان در سال ۱۹۴۱ هرگونه فعالیت هنری را برای او ممنوع کرده بود. یکی از این دو شخصیت نماد زورگویی و نماینده‌ی دولت خودکامه است و دیگری نقاشی رؤف و مهربان و قربانی این دولت. زبان در رمان لنتس دقیق، موجز و مؤثر است. بسیاری از آثار نویسندگان هم‌نسل لنتس را می‌توان به راحتی خلاصه کرد، بی‌آن‌که اصل آن لطمه بخورد، اما زبان لنتس دست‌کم در رمان زنگ انشاء این چنین نیست. طنز او ساده و دل‌نشین است و خواننده را به خنده وادار نمی‌کند. لنتس جایزه‌های ادبی گوناگونی برده است که لزومی به بیان آن نیست.